

گونه‌شناسی دئیسم در قرن هفدهم و هجدهم با تکیه

بر طبقه‌بندی ساموئل کلارک

محمد محمدی‌نیا^۱، محمدعلی عبداللهمی^۲، حسین صابری^۳

چکیده

دئیسم به دیدگاهی فلسفی و الهیاتی درباره‌ی خداوند، انسان و دین اطلاق می‌شود. مقاله حاضر تلاشی است برای تحلیل مفهومی دئیسم در قرن هفدهم و هجدهم، از طریق ریشه‌شناسی و روش تحلیلی - توصیفی و قصد دارد با استفاده از طبقه‌بندی کلارک، تقسیم‌بندی‌یی کلی از دئیسم ارائه کند. تعریف دانشنامه‌یی دئیسم دچار ابهام و ابهام است و رجوع به فرهنگنامه‌های ریشه‌شناختی نشان می‌دهد که در تبدیل واژه دئوس به دئیسم، ظرائف ریشه‌شناختی این واژه چندان مورد توجه نبوده است. اما با گونه‌شناسی کلارک میتوان تمایز دئیسم زمانه او از تئیسم و گونه‌های مختلف این تفکر را بهتر شناخت. طبقه‌بندی چهارگانه کلارکی، بمثابه نخستین گزارش جامع از دئیسم، مدعی است که قرابت و شباهت دئیسم به مسیحیت، از نوع اول تا نوع چهارم، بصورت پلکانی از حداقل به حداکثر می‌رود. دئیسته‌های نوع اول، منکر

۱۱۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۵ نوع مقاله: پژوهشی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته فلسفه در دانشگاه تهران با عنوان «بنیانهای فلسفی دئیسم مدرن در اندیشه اسپینوزا» است.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ mohamadina@ut.ac.ir

۲. دانشیار فلسفه، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران؛ abdollahi@ut.ac.ir

۳. استادیار فلسفه، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران؛ h_saberi_v@ut.ac.ir



مشیت الهی هستند، در حالیکه به وحدت، خالقیت و علم خداوند اعتقاد دارند. دئیستهای نوع دوم، ضمن باور به گزاره‌های دئیسم نوع اول، قوانین فیزیکی را مشیت الهی می‌انگارند اما شمول مشیت بر قوانین اخلاقی را نفی میکنند. دئیستهای نوع سوم معتقدند مشیت تدبیری خداوند با کمالات اخلاقی او ارتباط دارد و خداوند با صفات عدالت، خیر و درستی بر این جهان حکم میراند. دئیسم نوع چهارم، علاوه بر آموزه‌های فوق، جاودانگی روح و ثواب و عقاب اخروی را نیز میپذیرد. به ادعای کلارک، تمامی انواع دئیسم مدرن در انکار وحی مسیحی مشترکند و یکی از تفاوت‌های اساسی آنها با ادیان وحیانی، مفهوم‌شناسی و اعتقاد به وحی الهی است.

کلیدواژگان: دئیسم، دئوس، دین طبیعی، ربوبیت، وحی، ظهور الهی، مشیت، کلارک.

* * *

۱. مقدمه

دئیسم (deism) بر حسب ریشه یونانی کلمه (θεός)، گاه مترادف با تئیسم (theism) و متضاد با الحاد تعریف میشود، اما از حیث تاریخی، بتدریج از خداباوری راست‌گیش مسیحی فاصله گرفته است. دئیسم نقطه مقابل موضع خداشناسان طبیعی قرون وسطی، از جمله توماس آکوئیناس است. خداشناسی طبیعی توماسی از دین و وحی نمیگذرد و به حجیت و نفوذ آن در همه شئون انسانی و اجتماعی وفادار است. خداشناسی طبیعی قرون وسطی، برغم شباهتش با دئیسم، تفاوت‌های قابل توجهی با آن دارد.

دانشنامه‌نویسان تعاریف مختلفی از دئیسم بدست داده‌اند و اختلاف نظرشان به اندازه‌ی است که نمیتوان تعریفی اجماعی از این مفهوم ارائه داد. اختلاف نظر آنها یا ناشی از تکرر و ناهمگونی کسانی است که دئیست خوانده شده‌اند یا برخاسته از تنوع گونه‌ها و تقریرهای دئیسم است. مسئله اصلی این پژوهش واکاوی مفهومی دئیسم است؛ اینکه مفهوم دئیسم

۱۱۴

